

معرفی تاریخ شفاهی به عنوان راهی نو در تاریخ نگاری

نویسنده: جلال متینی

این مقاله کوتاه در ده صفحه به معرفی نگرش «تاریخ شفاهی» (Oral history) و کارکرد و اهمیت آن به عنوان یک تحول علمی در تهیه اسناد و مدارک برای مطالعات و تحقیقات تاریخی پرداخته است. نگارنده یکی از ایرادهای اصلی تاریخ های موجود را اینگونه توصیف می کند:

«عیب بزرگ تاریخهای موجود همه در این است که مورخان بجای آنکه از مردم نیز سخن بگویند و از راه و رسم زندگی آنان و ارزشهای حاکم بر جامعه ایشان، تقریباً همیشه به وقایع استثنایی مانند جنگها و حوادث بزرگ پرداخته اند و زندگانی شاهان، دولتمردان، سرداران و خلاصه رجال درجه اول هر دوره و تصمیمهای آنان را در کتابهای خود منعکس ساخته اند آن هم مشروط بر این که به تمام اسناد و مدارک مهم دسترسی پیدا کرده باشند.» (ص 535)

اما مروری بر تاریخ نگاری های ارزشمندی که در حوزه ایران و جهان انجام شده است، نظیر تاریخ بیهقی و خاطرات هرودوت از جنگ های ایران و یونان، نشان می دهد که خاطرات افراد دست اندرکار و شاهدان عینی هر دوره در درک بهتر زمانه بسیار موثر بوده است. براساس این نیاز، «تاریخ شفاهی» به عنوان رویکردی جدید در ثبت وقایع تاریخی متولد شد. تاریخ شفاهی عبارت است از:

«تهیه اسناد دست اول از طریق ضبط خاطرات افراد بر روی نوار، خاطرات کسانی که در تصمیم گیریهای یک دوره معین در کشوری یا یک واحد علمی یا صنعتی یا اجتماعی دست اندرکار بوده اند و یا در موقعیتی قرار داشته اند که بعنوان شاهدان عینی وقایع، شنیده ها و دیده های ایشان دارای اهمیت است.» (ص 537)



محتوای ضبط شده بعداً به صورت مکتوب درآمده و با رضایت فرد مصاحبه شونده، هر دو سند صوتی (تصویری) و مکتوب (به صورت کامل یا بخشی از آن) در اختیار محققین قرار می گیرد. نویسندگان معتقد است در دنیای آکادمیک معاصر، این نگرش به تاریخ در آمریکا متولد شده است و لذا آمریکا را «مادر تاریخ شفاهی» می خواند (ص 538). اولین برنامه تاریخ شفاهی در سال 1948 میلادی توسط پروفسور Alan Nevins در دانشگاه کلمبیای آمریکا بنا نهاده شد. با توجه روز افزون به تاریخ شفاهی، انجمن تاریخ شفاهی آمریکا در سال 1966 بنا نهاده شد.

«اساس کار در این مصاحبه ها بر تفاهم کامل است و مصاحبه کننده موظف است برای هر مصاحبه فضای مناسبی بوجود بیاورد که مصاحبه شونده را در بیاد آوردن خاطرات گذشته اش یاری کند. بنابراین بر خلاف روال معمول در روزنامه ها و دیگر رسانه های گروهی، مصاحبه های تاریخ شفاهی براساس نوعی بازپرسی از مصاحبه شونده یا بدام انداختن مصاحبه شونده در حین سؤال و جواب ها انجام نمی شود.»

بنیاد مطالعات ایران نیز در جولای 1982 سمیناری برگزار کرد و مقدمات برنامه تاریخ شفاهی ایران را بنا گذاشت. در آن زمان، خانم الیزابت میسون رییس دفتر تحقیقات تاریخ شفاهی دانشگاه کلمبیا بود و سرفصل های تاریخ شفاهی ایران به تایید او رسید.

خاطرات فوریه، پزشک مخصوص ناصرالدین شاه

نویسنده: نامعلوم

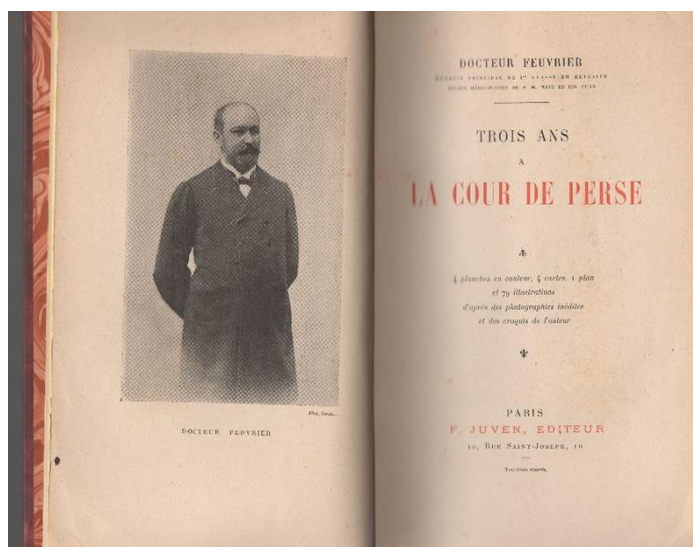
این مقاله در هفده صفحه بخش هایی از خاطرات دکتر فوریه، پزشک مخصوص ناصرالدین شاه بین سال های 1307 تا 1310 قمری را بازگو می کند. دکتر فوریه (Fevrier) پزشک فرانسوی در سومین سفر ناصرالدین شاه به اروپا (12 شعبان 1306 تا 24 صفر 1307 قمری) به همراه شاه به ایران آمد و مدت سه و نیم سال به عنوان پزشک شاه خدمت کرد. کتاب «سه سال در دربار ایران»، که او پس از بازگشت به فرانسه نوشته، شرح مشاهدات و خاطرات وی در این دوره است. این مقاله مروری دارد بر بخش هایی از این کتاب که اوضاع پزشکی و بهداشت را در ایران آن زمان و در دربار ناصری روشن تر می کند.

دکتر فوریه در مقدمه کتاب می نویسد:

«ایران کشوری است که با وجود بروز افکار جدید، آداب و عادات مردم آن چنان ثابت و لایتغیر مانده که می توان آنها را عین همان عادات و آداب اجداد ایشان دانست بلکه شاید اولاد ایشان نیز از آنها دست برندارند» (ص 653)

او در این کتاب از تقابل خود، به عنوان نماینده پزشکی مدرن، با پزشک های دربار ناصری، به عنوان نماد طب قدیم، مواردی ذکر می کند. یک نمونه آن ابتلای شاه به اسهال در یکی از سفرهای وی بود که در آن شیخ الاطبا و سایر پزشکان دربار سعی در درمان شاه با تربت و جوشانده هسته آلو و به، یا با کاسنی و کمی تریاک داشتند که موفق نشدند و او توانست با کمک سولفات دوکینین شاه را معالجه کند. او همچنین از عدم تقید فخرالاطبا به موازین شرع در سفر فرنگ می نویسد و اینکه چگونه دور از چشم امین السلطان (صدراعظم) گیلان های شراب را می نوشد.

فوریه از دشواری های درمان زنان می نویسد و اینکه چگونه از بیان بیماری و مشکلات واقعی خود حتی برای پزشکان طفره می روند (به خصوص اگر بیماری در چهره باشد). به قول فوریه «پزشک باید دیپلمات باشد تا بتواند بفهمد کجای خانم درد می کند و چه دردی دارد» (ص 663). او نقل می کند که علی رغم اینکه سه بار برای درمان بر بالین امینه اقدس (همسر ناصرالدین شاه) حاضر شده، او هیچ صحبتی از درد چشم نکرده، «هیچوقت چشمان خود را به من نشان نمی داد» (ص 663)؛ تا اینکه بالاخره با دستور شاه، وی به معالجه چشمانش توسط فوریه رضایت داد. فوریه یکی از مشکلات ایرانیان



را در این می بیند که «غالباً تصورشان این است که طبیب از گرفتن نبض می تواند به هر دردی که دارند پی ببرد، و این وهم را اطباء قدیمی در مغز ایشان فرو کرده اند» (ص 663).

فوریه از شیوع وبا در تهران می نویسد و اینکه هر روز حدود 800 نفر کشته می شدند. وی می نویسد:

«در آن طرف رودخانه دستور دادم سه چادر زدند و در نزدیکی آنها دستگاهی شامل دواخانه و چند پرستار ترتیب دادم و یکی از اطباء جوان را که تازه از مدرسه طب تهران بیرون آمده و زیرک و عاشق کار بود یعنی میرزا محمود پسر میرزا کاظم معلم را به سرپرستی آنجا گذاشتم و چون تمام کارکنان این دستگاه مسلمان بودند خیال می کردم دیگر هیچ کس برای مراجعه به آن دستگاه و قبول معالجات اعضای آن اکراهی نداشته باشد. اما خیال من باطل بود، و آخدی نخواست که به آنجا مراجعه کند، و نمی دانم چه شیطنت و ملعنتی از طرف من در تهی دستگاه در خاطر خود راه داده بودند.» (ص 665)

او یکی از دلایل اصلی شیوع وبا در تهران آن زمان را وجود جوی های آب شرب می داند که از محله ای به محله دیگر می روند. هم چنین غسل اموات در این آب ها را نیز موثر می داند. نکته دیگری که فوریه در این کتاب ذکر می کند این است که علیرغم حضور پررنگ «اطباء ایرانی که معمولاً مرض را با ادوی مفرده معالجه می کنند و به دواهای فرنگی معتقد نیستند» (ص 655)، علاقه به استفاده از روش های طب نوین در میان دولتمردان و شخص شاه وجود داشته است. وی می نویسد: «... امین السلطان از پوش سلطنتی بیرون دوید و در حضور پیشخدمتان و اطباء ایرانی و اعیان و صاحب منصبان رو به من کرد و به فارسی و با صدای بلند گفت که «اراده سنیه ملوکانه بر آن قرار گرفته که افتخار معالجه شاه به مسؤولیت شما واگذاشته شود.» (ص 658).

ایران از شنبه صبح

میرزا علی اکبرخان مزین الدوله (نقاش باشی)

نویسنده: مهرداد مزین

نویسنده در این مقاله پانزده صفحه ای به معرفی یکی از رجال مؤثر در دوره قاجار و دوره مشروطه پرداخته است. میرزا علی اکبرخان از دانشجویانی بود که برای تحصیل علم و هنر در زمان قاجار به اروپا رفتند. انجمن تاریخ وی را از «پیشگامان فرهنگ و هنر نوین ایران» می داند. اعزام دانشجویان برای تحصیل به اروپا در زمان فتحعلی شاه و به دستور عباس میرزا در بحبوحه جنگ های ایران و روس بود. پس از آن در زمان محمد شاه هم یک گروه پنج نفره از دانشجویان به اروپا اعزام شدند. اما بزرگترین گروه دانشجویان شامل 42 نفر در زمان ناصرالدین شاه و هفت سال پس از تاسیس دارالفنون به فرانسه اعزام شدند. این افراد طی 5 تا 9 سال تحصیلات خود را خاتمه داده و به کشور بازگشتند. دکتر عیسی صدیق معتقد است که بیشتر نهضت فکری در ایران اواخر قاجار تا پهلوی توسط گروه اخیر فارغ التحصیلان صورت گرفت. میرزا علی اکبرخان یکی از افراد این گروه بود که در 12 سالگی عازم فرانسه شد.



تصویر علی اکبرخان نقاش باشی مزین الدوله (منبع: <http://dorrab.com>)

وی به واسطه انتشار مقالات ارزشمند در فرانسه مورد توجه مقامات علمی قرار گرفت و نهایتاً به عضویت آکادمی فرانسه درآمد و علی‌رغم دعوت به کار در فرانسه، در سال 1285 قمری به ایران بازگشت. وی علاوه بر دارالفنون، به عنوان معلم فرانسه و نقاشی ناصرالدین شاه در دربار حضور داشت و به جهت تسلط به زبان فرانسه به عنوان دایره المعارف متحرک شناخته می شد. فرهنگ لغات فرانسوی، که او بعد از 30 سال تلاش تهیه کرده بود، به دلیل کمبود بودجه در دوران احمدشاه در ایران چاپ نشد و نهایتاً به درخواست سفیر فرانسه، در پاریس به چاپ رسید. پرده های نقاشی وی در اماکن متعددی از جمله کاخ گلستان وجود داشته اند. وی اولین ایرانی بود که نقاشی را به صورت علمی و براساس متد فرانسوی به ایران آورد.

پس از مدتی به جهت کثرت فعالیت های تدریس و علاقه مفرط شاه به نقاشی، یکی از شاگردان ممتاز خود میرزا محمد غفاری را برای کمک در تدریس به دربار آورد. میرزا محمد غفاری شخصیتی است که در سال 1310 قمری از طرف ناصرالدین شاه ملقب به کمال الملک شد. وی علاوه بر تربیت نقاشان بسیار عالیقدر، با رییس شعبه موزیک دارالفنون و موزیکانچی باشی دربار، که یک فرانسوی اهل هنر بود، هم همکاری داشت که حاصل آن پایه گذاری تدریس موسیقی با نُت در ایران بود. وی به تشویق شاه اولین تآثر (تماشاخانه) را در مدرسه دارالفنون ساخت. شاگرد وی، سید علی نصر، بعداً هنرستان هنرپیشگی را در ایران بنیان نهاد.

میرزا علی اکبر رخان در دربار مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه به جهت نارضایتی حضور موثری نداشت و محدود به تدریس به شعاع السلطنه فرزند مظفرالدین شاه بود. وی در زمان حکومت شعاع السلطنه بر فارس مقبره ای برای آرامگاه حافظ ساخت. نویسنده از قول مرحوم غلامحسین افضل الملک (تاریخ نویس معروف) او را اینطور معرفی می کند:

«میرزا علی اکبرخان نقاشباشی، سرتیپ اول ... که از دانشمندان این عصر و در متون و کمالات خارجه بخصوص زبان فرانسه و صنعت نقاشی، اول استادست، این اوقات حسب المقرر به خدمت نواب مستطاب اشرف والا، شاهزاده معظم، شعاع السلطنه مشغول هستند؛ و در آن اداره از اکابر قوم و صناید رجال می باشند ... والحق شاگردان ماهر از تعلیم این دانشمند از مدرسه دارالفنون دولتی بیرون آمد ... الحق شخصی محترم و وجودی مغتنم است.» (ص 601)

پس از خلع محمدعلی شاه، رجال مملکت از جمله مستوفی الممالک وزیر دربار و میرزاحسین خان مشیرالدوله (پیرنیا)، که در سال 1289 به ریاست مجلس انتخاب شد، تلاش زیادی برای آشنا کردن احمدشاه و برادرش با عقاید دموکرات انجام دادند. در همین راستا، کلاس درسی متشکل از حدود 15 محصل تشکیل شد که مزین الدوله ریاست آن کلاس را بر عهده داشت. در این کلاس معلمینی همچون محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) و میرزامحمد غفاری (کمال الملک) به تدریس می پرداختند.

مزین الدوله مفتخر به دریافت نشان های مختلفی از کشورهای جهان شد. وی در سال 1311 شمسی در تهران درگذشت.

ایران از شنبه صبح